

در اداره سازمان غذای ملل متحد چه میگذرد؟



در ماه نوامبر خانم جوزت شیران Josette Sheeran به سرپرستی سازمان غذای جهانی (UN World Food Programme (WFP) برگمار شد. این انتصاب با حیرت محافل سیاسی بویژه در اروپا روبرو شد. زیرا خانم جوزت شیران بیش از ۲۰ سال یک مونی، Moonie، یعنی از پیروان فرقه مون Unification Church بوده است، یعنی همان کلیسای وابسته به واعظ سون میونگ مون Rev Sun Myung Moon که مالک عمده شبکه خبری یونایتد پرس انترنشنل و بنیانگذار نشریه واشنگتن تایمز است، نشریه ای که به علت وابستگی حزبی به نومحافظه کاران بنیادگرای مسیحی برخلاف واشنگتن پست شهرت بسیار بدی دارد. یونایتد پرس انترنشنل و شبکه هم بسته به آن همچنین نشریات شبه حزبی دیگر مثل نیویارک سان را منتشر میکنند و از نو محافظه کارانی چون ریچارد پرل و بوش پدر و پسر به عنوان یاران حلقه نزدیک سون میونگ مون نام برده اند. خود خانم شیران حتی به عضویت هیات منتقد واشنگتن تایمز هم در آمده بود. بیزاری افکار عمومی جوامع مدرن از ادغام دین و دولت آنقدر آشکار است که سخنگوی خانم شیران فوراً اعلام کرد او ده سال است عضو کلیسای مونی نیست. سخنگو که میدانست وارد کردن نفوذ دین در دولت در اروپا شدت واکنش بر می انگیزد، گفت در آمریکا ما باورهای فردی افراد را جزء مسایل خصوصی او میدانیم. اما مساله از این نوع لاپوشانی ها گذشته است. خانم شیران علاوه بر عضویت و فعالیت طولانی در فرقه ای که سیاست آن در استفاده ابزاری از مذهب در سیاست مدت هاست زیر ذره بین منتقدان است، معاون وزیر در امور تجاری، اقتصادی و زراعتی است. به نوشته گاردین روزنامه انگلیسی این انتصاب با حمایت کاخ سفید صورت گرفت و حتی کارزار برای رساندن او به ریاست سازمان غذا با بودجه مالیات دهندگان آمریکایی سرو سازمان یافت. خانم کندولیزار ایس شخصاً تلفنی با مقامات مربوطه تماس گرفته و ترتیبات لازم برای گزینش او را فراهم کرد. میدانیم گزینش به ظاهر از طریق رای صورت میگیرد، ولی رای ها قبل از آن ساخته میشود. گاردین همزمان با گزینش خانم شیران نوشت کوفی عنان و مدیر کل سازمان مرکزی غذای سازمان ملل FAO نخست با گزینش او مخالفت کردند. هردو نیز رسماً این امر را تکذیب کردند.

اما در ماه نوامبر وقتی خانم شیران به این سمت منتصب شد، رسانه های دیگر از قول مقامات سازمان غذا خبر دادند: "چاره ای نداشتیم. آمریکا تهدید کرد که کمک های خود را قطع میکند". گاردین نوشت در مورد انتصاب خانم شیران با بان کی مون که قرار بود جانشین کوفی عنان شود، مشورت شده بود. بان کی مون متولد کوریای جنوبی است ولی مونی نیست و به کلیسای مون وابستگی ندارد.

گاردین در آن زمان اهمیت قضیه را به اوضاع کوریای شمالی منتسب کرد. زیرا خانم شیران در دهه نود به عنوان وابسته ویژه نشریه واشنگتن تایمز و اولین خبرنگار آمریکایی در پیونگ یانگ برگزیده شده بود و هم او بود که مصاحبه پر سر و صدایی با "رهبر کبیر" انجام داد که در آن او را رهبری " با اعتماد به نفس بالا، دولتمردی کهن سال و تاثیر گذار" و نه یک "دیکتاتور دگم منزوی که در غرب معمولاً تصویر میشود"، توصیف کرد. این زمانی دیگر بود و میونگ مون که خود در کوریای شمالی به دنیا آمده و یک ضدکمونیست دو آتشه است، روابط نزدیکی با دیکتاتور پیر برقرار کرده و کمپانی های وابسته به کلیسای مونی او فعالیت تجاری گسترده ای را در پیونگ یانگ آغاز نمود و از جمله دو هتل در پیونگ باز کرده و یک کارخانه مونتاژ ماشین در آنجا به راه انداخته بودند. در این

زمان سازمان ملل میلیون ها دالر را برای تامین غذا در کوریاي شمالی بسیج کرده بود. اوضاع سیاسی تغییر میکند و همراه با آن تاکتیک ها. اما به نظر میرسد قضیه از ماجرای کوریاي شمالی که مورد نظر گاردین بود، بسیار فراتر میرود. مهم تر نقشی است که شبکه های مذهبی و غیر مذهبی وابسته به قدرت های بین المللی و آمریکا تحت عنوان نهادهای مستقل مدنی در تخریب نهادهای بین المللی بازی میکنند. در رابطه با سازمان غذا، با توجه به گسترش استراتژی جنگی آمریکا و ویرانی کشورها، و برافروخته شدن جنگ های داخلی و هجوم پناهندگان و آوارگان داخلی و خارجی، مساله تغذیه آوارگان و گرسنگان خود به جزیی از استراتژی جنگی تبدیل شده است.

چگونگی کمک رسانی به قربانیان جنگ هم اکنون در عراق، افغانستان، سومالی، فلسطین تا هم اکنون مناقشاتی برانگیخته و بیطرف نگه داشتن نهادهای کمک سازمان ملل از جانبداری سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است. اگر قرار باشد ارگان های کمک انسانی سازمان ملل منابع خود را برای کمک به سیاست یک طرف جنگ بسیج کنند، نهادهای حقوق بشری و انسانی سازمان ملل هم مثل شورای امنیت از صورت نهاد بین المللی خارج شده و خود به یک طرف جنگ و در واقع ابزار سیاسی آمریکایتبدیل میشوند. این همان چیزی است که القاعده و نیروهای بنیادگرا آرزو میکنند و حملات خود را به نیروهای انسانی در افغانستان و عراق با همین امر توجیه میکردند. روشن است هنوز نهادهای حقوق بشری سازمان ملل تا رسیدن به این مرحله فاصله زیادی دارند و تفاوت آشکاری بین آن ها و شورای امنیت سازمان ملل وجود دارد. به همین جهت توجه به سیاست هایی که آمریکا در این سازمان ها پیش میبرد حائز اهمیت است. زیرا این امر نهادهای دیمکرایک و انسانی مستقل را که محصول رنج بشر بویژه طی دو جنگ بزرگ قرن بیستم و تلاش برای جلوگیری از تکرار آن است، از بین میبرد. بعلاوه برخلاف ظاهر قضیه، در شرایط کنونی، این سیاست در عمل نیروهای بنیادگرا را که با همه دستاوردهای تاکنونی بشر در حوزه ساختارهای دیمکرایک در سطوح بین المللی و ملی مخالف میکنند، تقویت میکند.

نمونه ای از این واقعیت را هم اکنون میتوان در فلسطین مشاهده کرد. در آنجا در شرایطی یک تحریم به شدت ضد بشری، قدرت های ۴ گانه نخست ادعا کردند نهادهای بین المللی مثل ارگان های سازمان ملل را برای جلوگیری از مرگ و میر عمومی به عنوان ابزار خودی بسیج میکنند تا با دور زدن حماس کمک های غذایی و بهداشتی را به مردم فلسطین برساند، امری که به علت وضعیت خاص فلسطین ممکن نبود. اکنون اسرائیل پولی را که از مردم فلسطین ربوده برای تسلیح و نیز تغذیه نیروهای وابسته به خود تحت رهبری عباس و الفتح بسیج میکند تا دسته اخیر را به نیروی سرکوبگر بقیه فلسطین تبدیل کند، آمریکا هم شتابان به تقویت این سیاست اقدام کرده است. این امر نه تنها زمینه جنگ داخلی را تقویت کرده است، بلکه جنبش فتح را عملاً به یک پلیس منفور سرکوبگر مثل پلیس های امنیتی کشورهای ما تبدیل کرده، و به تقویت پایه اجتماعی نیروی بنیادگرای حماس انجامیده است که در دراز مدت خود یک فاجعه سیاسی برای مردم فلسطین است. وابستگی نهادهای انسانی بین المللی، بویژه سازمان ملل، به احزاب سیاسی و قدرت های حاکم کمترین خطری که دارد گسترش فساد و تبدیل کمک های بین المللی به سرمایه دلالت و لشگر مقاطعه کاران خصوصی است، امری که عراق از زمان تحریم دهه ۹۰ تا امروز تجربه میکند. اما بزرگ ترین خطر آن تبدیل این سازمان ها به نهادهای باج گیری است که عملاً یقه آواره و گرسنه را بگیرند و تهدید کنند: یا بامن یا از گرسنگی بمیر. آیا پناهنده و آواره و گرسنه باید اول موضع سیاسی - ایدئولوژیک خود را روشن کند تا نان و سرپناه بگیرد؟ این وضعیت که در شرایط حاکمیت ایدئولوژیک در کشور ما و ایجاد نیروی بسیج کاملاً آشناست، نتیجه حتمی پیروزی مشی وابسته کردن سازمان های کمک به قدرت های بین المللی است. منابع خبری .

پایان